

هو العليم

وظيفة افراد در زمان غيبت امام زمان عليه السلام

و اشاره‌ای به اعمال شب نیمه شعبان

سلوک خانواده - ۱۴ شعبان المعظم ۱۴۱۹ ه.ق،

طهران - جلسه دوم

استاد

آية الله حاج سيد محمد محسن حسيني طهراني

قدس الله سرّه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا

وَحَبِيبِ قُلُوبِنَا وَطَبِيبِ نُفُوسِنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ

وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَاللَّعْنَةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ

أَجْمَعِينَ

از اینکه دیر خدمت اعزه و احبه رسیدم

عذرخواهی می‌کنم؛ حالم مساعد نبود. منتها چون

دیدم که اگر بخواهم به تأخیر بیندازم، ممکن است

موفق نشوم خدمت دوستان برسم و خلف وعده

کرده باشیم.

تکامل عقول، پس از ظهور امام زمان

علیه السّلام

امشب شب میلاد امام زمان علیه السّلام، شب

تحقق مظهر عدل تام و اجرای حق و عدالت است.

روایتی از پیغمبر اکرم نقل شده که فرموده‌اند - ظاهراً

از امام صادق علیه السّلام است و مشابهش از پیغمبر

اکرم است :-

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ؛

فَتَمَّ بِهِ إِيمَانُهُمْ وَ كَمَّلَ بِهِ عَقْلُهُمْ.^۱

یعنی: «وقتی که امام زمان، حضرت بقیة الله ارواحنا فداه ظهور کنند، خداوند دستش را روی سر همه مردم می گذارد و ایمان مردم به واسطه ظهور حضرت تمام می شود و عقل آنها کامل می شود.»

مطلبی که در این جا مطرح است اینکه مگر امام زمان علیه السلام چه می کند؟ مطلب دوم اینکه آیا این مطلب در زمان غیر از ظهور آن حضرت امکان پذیر نیست و حتماً باید امام زمان ظهور کند؟ یعنی اجرای عدالت، این اجرای عدالت نیاز به ظهور ظاهری آن حضرت دارد یا اینکه برای افراد در غیر از زمان خود آن ظهور هم ممکن است و میسر است؟ و به عبارت دیگر، آیا ما باید فقط منتظر ظهور حضرت باشیم و هیچ کار و عملی را نمی توانیم انجام بدهیم و چشم به ظهور آن حضرت باید بدوزیم، یا

^۱ الکافی، ج ۱، ص ۲۵، به نقل از امام باقر علیه السلام: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ؛ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَّلَتْ بِهِ أَعْلَامَهُمْ». نور ملکوت قرآن، ج ۲، ص ۴۴۰:

«زمانی که قائم ما قیام کند، خداوند دست خود را بر سرهای بندگان می گذارد و با این دست، عقل هایشان را جمع می کند و خردها و اندیشهها و قوای تفکیریّه شان کامل می گردد.»

اینکه مطلب به صورت دیگری است؟

نقدی بر تعیین کنندگان زمان ظهور

یک روز من خدمت یکی از بزرگان رسیدم به اتفاق بعضی از رفقا و دوستان خودمان. آن شخص در تمام مدت این مجالست و صحبت - که حدود یک ساعت و نیم طول کشید - دائماً صحبت از ظهور و زمان ظهور و آثار و علائم ظهور و «فلان کس خواب دیده در این تاریخ امام زمان ظهور می کند! فلان کس در مکاشفه دیده که حضرت یک عددی را برای او ترسیم کرده اند!» [صحبت می کرد] و می گفت:

من وقتی در فلان جا بودم - یکی از شهرها - در فلان سنین، خودم با بعضی از محاسبات و کارهایی که کردم به دست آوردم که حضرت در سال ۱۴۱۶ هجری قمری (یعنی همین دو [سه] سال پیش) ظهور می کند!

البته آن موقعی که ما خدمت ایشان رسیدیم شاید حدود هفت هشت سال پیش بود، و تمام این مدت به همین حرف ها گذشت. من از ایشان یک سؤال کردم، گفتم:

در اینجا چند مسئله مطرح است: مطلب اول اینکه این مطالبی را که شما نسبت به ظهور حضرت می فرمایید که: «در این سال ظهور می کند! فلان کس خواب دیده! فلان کس مکاشفه کرده!» و امثال ذلک، یا درست است یا غلط است؛ اگر این مسائل غلط است که چرا شما اینها را برای مردم مطرح می کنید، و چرا مردم را به اشتباه می اندازید؟! و چرا...؟! چون احتمال غلط بودن و باطل بودن می رود دیگر! خُب، چطور اینکه دیدید باطل بود! یعنی ایشان به ما گفتند: «در سال ۱۴۱۶» الان ما ۱۴۱۸ [۱۴۱۹] هستیم و هنوز این مسائل دیده نشده؛ پس معلوم است که این باطل بوده دیگر. گفتم:

اگر این مطالب غلط است، چرا شما بیان می کنید؛ و اگر این مطالب صحیح است چرا ما اینها را از ائمه نشنیدیم؟! این چه مصلحتی هست که امام علیه السّلام نباید برای مردم بیان کند که در سال هزار و چهارصد و چند - فرض کنید که - ظاهر می شود؟! البته آن طوری که آنها مطرح می کردند به نحو کلی بود، اما به نحو خصوص بیان نکرده اند. گفتم:

این مطلبِ اول. و اما سؤال دوم اینکه بر فرض
که این مطالب صحیح باشد، این مطالب برای کسی
مفید است و به درد کسی می خورد که زمان ظهور
حضرت را درک بکند. اگر شخصی قبل از ظهور
حضرت از دنیا برود، ظهور حضرت به چه درد او
می خورد؟ چه فایده ای دارد؟! حالا گیرم بر اینکه
امام زمان علیه السّلام دو ماه دیگر ظهور کند، و من
بدانم یک هفته دیگر از دنیا می روم، به درد من چه
می خورد؟! چه دردی از دردهای مرا دوا می کند؟! و
چه نفعی برای کمال من دارد ظهوری که حضرت دو
ماه دیگر [می کند]؟!!

اگر قرار بر این باشد که بگوییم: «ظهور حضرت
در آن موقع برای من فایده دارد!» ظهور برای کسی
که هزار سال پیش هم از دنیا رفته، برای او هم فایده
دارد! این همان معنا، ولایت غیبی است که ظاهر و
باطن ندارد و سررشته همه امور به دست اوست.

پس بنابراین، اینکه ما بیاییم و وقتمان را بگذرانیم
به اینکه امام علیه السّلام کی ظهور می کند و در زمان
ظهورش چه می شود و امثال ذلک، این چه نفعی برای
ما دارد؟! چقدر بودند افرادی که سابق مدعی

ملاقات با امام زمان علیه السّلام بودند در همین دنیا و برای مردم حکایاتی نقل می‌کردند و برای مردم آثار و علائمی را بیان می‌کردند، اما الآن آنها در دل خاک خفته‌اند!^۱ یعنی باطل! یعنی اینها همه باطل بوده دیگر.

اهمیت اصلاح نفس خود قبل از ظهور

من خودم شنیدم از بعضی از افرادی که آنها به ضرس قاطع زمان ظهور حضرت را تعیین می‌کردند و بعد خودشان را هم از افرادی که در زمان ظهور هست، از آنها معرفی می‌کردند درحالتی که دو سال است که از دنیا رفته‌اند! حتی یکی از اینها آمده بود پیش پدر ما و یک شب به پدر ما گفته بود که - البته این قضیه که خدمتتان عرض می‌کنم، مال بیست سال پیش است - گفته بود: «آقا، من می‌خواهم به شما یک بشارت بدهم!» گفتند: «خب!» بعد به پدرمان گفته بود که: «یک بشارتی می‌خواهم به شما بدهم که باید یک سور بدهید ها! یک سور باید بدهید تا این بشارت [را بگوییم]!» مرحوم پدرمان خندیده

^۱ به‌عنوان نمونه رجوع شود به مطلع انوار، ج ۱، ص ۲۹۰.

بود: «حالا شما بشارت را بده، إن شاء الله سور طلبت!» از این افرادی بود که در بعضی از این علوم عجیبه و غریبه و اینها یک مقداری اطلاعاتی داشت. گفت: «من حساب کرده‌ام در علم اعداد و جفر و اینها که شما جزء ۳۱۳ نفری هستید که در رکاب امام زمان هستید!»

پدر ما سه سال پیش از دنیا رفت! همان موقع هم ایشان [البته] رد نمی‌کرد، می‌خندید، مزاح می‌کرد، شوخی می‌کرد؛ [می‌فرمودند]: «إن شاء الله امیدواریم که ما را قبول کنند!» از این عبارتهایی که نه حکایت از ردّ مسئله است، نه حکایت از قبول آنهاست. ولی صحبت در این است که پدر ما معطل نشد که این امام زمان ظهور کند، [بلکه] همان موقع کار خودش را ساخت! اما آن بنده خدا همین طور به این انتظار بنشین، مجلس تشکیل بده، مردم را جمع کن، با آنها صحبت کن: «حضرت این موقع ظهور می‌کند! حضرت چه می‌کند!» بعد هم سر مردم را یک مقداری با همین حرف‌ها گرم بکنند و بعد هم هی بگویند: «نشد و نشد و بداء شد و این طور شد!» این مطالب صحیح نیست. سر مردم را گرم کردن با

این مطالب صحیح نیست. چرا انسان واقعیت را
نیاید مطرح کند؟! چرا یک حقیقتی را نیاید مطرح
کند؟! چرا آنچه که به درد مردم و به درد خودش
می خورد آن را نیاید برای مردم مطرح کند!؟!

امام زمان علیه السّلام اگر خدا توفیق داد به ما که
چشممان به جمال منور ایشان روشن بشود - که با
دنیا و آخرت برابری نمی کند - فَبِهَا، چه بهتر! و اگر
توفیق پیدا نکردیم، بنشینیم دست روی دست
بگذاریم و همین طور عاطل و باطل بمانیم تا اینکه
امام زمان علیه السّلام ظهور کند؟! لعلّ اینکه مشیّت
الهی بر زیارت ما جمال منور ایشان را تعلق نگرفته
باشد!

سؤال از مرحوم حداد در کیفیت ملاقات

با حضرت بقیّة الله علیه السّلام

یک روز خدمت مرحوم آقای حداد بودم. در آن
موقع سنّم هفده سال بود. این قضیه مال بیست و پنج
سال پیش است. ایشان یک ساعت راجع به مسائل
دیگر... . این قضیه در کربلا اتفاق افتاد، در همان
سفری که خود مرحوم آقا در کتاب روح مجرد هم

مرحوم آقا به اتفاق اخویمان از منزل بیرون آمدند و به سمت حرم، حرم سیدالشهدا حرکت کردند که زیارت کنند. قرار شد که من با مرحوم آقای حداد، یک یک ساعتی ایشان با من صحبت کنند و بعد من بروم به آنها ملحق بشوم. ایشان در بین صحبت‌هایی که - مطالبی به من فرمودند و سؤالاتی من کردم، ایشان جواب‌هایی دادند و اینها - من رو کردم به مرحوم آقای حداد گفتم که: «آقا، رؤیت ظاهری امام علیه السّلام از نقطه نظر سلوک آیا برای سالک ضروری است؟ ضرورت دارد؟» ایشان یک خنده‌ای کردند و به من فرمودند:

سالک هدفش و غایتش معرفت و رسیدن به باطن امام علیه السّلام است! این منظور سالک است. هدف سالک با هدف سایر مردم تفاوت دارد. شما الآن نگاه کنید ببینید خیابان‌ها را جشن بستند، آیین بستند و تکایا، اینها، شعر می‌خوانند، شادی می‌کنند، شیرینی می‌دهند؛ اینها همه‌اش درست، اینها

^۱ روح مجرد، ص ۴۹۹.

همه‌اش باید این‌طور باشد، باید این‌طور باشد، باید شادی باشد، باید جشن باشد، شعائر دین واجب است در حکومت اسلام و در مملکت اسلام انجام بشود و متأسفانه ما مسلمان‌ها و به‌خصوص ما شیعیان نسبت به این قضیه اتفاقاً کوتاهی می‌کنیم!

اهمیت تعظیم شعائر دینی و عدم غفلت از

باطن

پارسال بود من در سفری که در لبنان داشتم، یک شب به اتفاق بعضی از دوستان که بیرون آمده بودیم، [دیدیم] خیلی شهر شلوغ است، جشن است و از این ترقه‌بازی‌ها و خیلی اصلاً یک بساطی بود، خیلی عجیب! سؤال کردیم: «مگر امشب چه خبر است؟» گفتند: «امشب یکی از اعیاد مسیحی‌ها است!» شب تولد نبود، شب چیزی نبود، یکی از اعیاد مسیحی‌ها [بود]؛ جلوی ماشین‌ها را نگه می‌داشتند و شیرینی می‌دادند، همین مسیحی‌ها! شیرینی می‌دادند، نقل می‌دادند به‌زور، خلاصه محبت می‌کردند.

چند روز بعدش، روز ۱۷ ربیع، روز میلاد پیغمبر اکرم بود و من یک چراغ ندیدم در این بیروت راجع به میلاد پیغمبر روشن بشود؛ با اینکه دو سوم

جمعیت، بلکه سه چهارم جمعیت آنها را مسلمان‌ها
- اعمّ از اهل تسنّن و شیعه - تشکیل می‌دهد! ببینید،
چقدر این مسئله مهم است. در محله شیعه‌نشین
بیروت - که همین محلی بود که آن ساختمانی که ما
بودیم در آنجا بود - در شب میلاد پیغمبر فقط یک
نفر را ما دیدیم که یک ظرف شکلات دستش گرفته
بود کنار خیابان، و ماشین‌هایی که رد می‌شدند
همچین دستش را نگه داشته بود حالا یکی
برمی‌داشت، یکی بر نمی‌داشت. این آنچه را که ما
دیدیم. درست شد؟! اینها تمام یک روزی باید
حساب پس بدهند!

تعظیم شعائر دین از اهمّ واجبات است! ما
فرزندانمان را با این فرهنگ باید بار بیاوریم،
بچه‌هایمان را با این فرهنگ باید بار بیاوریم. می‌دانید
معاویه چه کار می‌کرد؟ برمی‌داشت عسل می‌فرستاد
خانه این و آن و می‌گفتند: «بگویند معاویه
فرستاده!»^۱ غذا می‌فرستاد خانه اینها و... بچه چه
می‌فهمد؟! بچه نگاه می‌کند، می‌بیند کسی که به او

^۱ رجوع شود به الأربعون حدیثاً، رازی، ص ۸۱.

محبت می کند، [به او] علاقه پیدا می کند، بزرگ هم
[همین طور].

باید در مملکت و در حکومت اسلام نسبت به
شعائر دینی و مناسباتی که مربوط است به ائمه هدی
صلوات الله علیهم أجمعین، به خصوص امام زمان
عجل الله تعالی فرجه الشریف باید سنگ تمام
گذاشته بشود. ما هرچه داریم از ائمه داریم و هرچه
داریم از امام زمان علیه السلام داریم. در رأس
شعارهای ما تأسی به امام زمان علیه السلام باید قرار
بگیرد و بقیه تحت الشعاع باید باشد، در رأس
شعارهای ما متابعت از ائمه علیهم السلام باید قرار
بگیرد [و] بقیه اشیاء باید تحت الشعاع باشد! من کی
هستم؟! امثال من چه کسانی هستند؟! من و امثال
من، تمام ما ریزه خوار این خوان و ریزه خوار سفره
انعام ائمه معصومین علیهم السلام هستیم.

الآن این مسائل باید مورد توجه قرار بگیرد. اما
صحبت در اینجا این است که این شعارها و این
نشاطها و این مسائل، اینها یک جنبه ظاهری دارد،
یک جنبه ظاهری دارد که در جنب این جنبه ظاهر،

آن حقیقت نباید فراموش بشود. بیاییم و جشن بگیریم و شادی کنیم و شیرینی پخش کنیم برای امام زمان علیه السّلام، بعد از او می پرسند که نمازت را خواندی یا نه؟ می گوید: «نه، نماز نخواندم، نمازم قضا شده!» می گویند چرا نمازت قضا شده؟ می گوید: «جشن مهم تر است، جشن از نماز مهم تر است! جشن از...!» اینها، سالک در این مسیر حرکت نمی کند؛ سالک علاوه بر رعایت مسائل ظاهر، به آن حقیقتی می پردازد که برای آن حقیقت این جلوات در خارج بروز و ظهور پیدا می کند.

دیدگاه مرحوم حدّاد در خصوص دیدار با امام زمان علیه السّلام

ایشان به من فرمودند:

اگر می خواهی امام زمان علیه السّلام را ببینی، من یک دستورالعمل به تو می دهم [که] بعد از ده روز حضرت را می بینی و با ایشان صحبت می کنی و دستورالعمل این است.

به من دستورالعمل را دادند، ولی فرمودند:

اما اگر طالب دیدار باطن هستی و می خواهی به آن حقیقت و ولایت برسی، دنبال دیدن ظاهر و اینها

نباید باشی؛ ولی اگر می خواهی، دستورالعمل من همین است.

و من انجام ندادم آن دستورالعمل را! چرا؟ چون دیدم این دیدن ظاهر، این دیدن، دیدن نفس است؛ خوشم می آید که من امام را دیده باشم، خوشم می آید که من حضرت را بروم ببینم، خوشم می آید! اگر من حضرت را ببینم و حضرت بگویند: «برای چه آمدی و خواستی ما را ببینی؟ حالا ما را دیدی، خیالت راحت شد؟ حالا دیدی، آیا به دستورات من عمل کردی؟ آیا آنچه که مورد رضایت من است انجام دادی؟» خلاصه اگر از من پرسیدند که: «تو در برون چه کردی که درون خانه آیی»^۱ ما چه جوابی داریم بدهیم؟!

شرط مجالست و مصاحبت با امام زمان

علیه السّلام

این بود مرام و مکتب اولیا و بزرگان! اولیا و

^۱ کلیات عراقی، ص ۲۹۹:

به طواف کعبه رفتم به حرم رَهَم ندادند *** که برون در چه کردی که درون خانه آیی؟

بزرگان خودشان را معطل ظهور امام زمان نکردند؛ امام زمان را در هر حالی در کنار خودشان مشاهده کردند. الآن امام زمان علیه السّلام در همین مجلس حضور دارد، امام زمان علیه السّلام در تک تک منازل ما و شما حضور دارد، امام زمان علیه السّلام با تمام شراشر وجود ما و شما - عرض می شود که - مصاحبت دارد و مجالست دارد و همچون موم در دست آن حضرت ما در تقلاً و در تکاپو هستیم! امام زمان این طوری است، نه اینکه یک شخص خارجی که فقط ارتباطش در صورتی است که حجابی نباشد، مانعی نباشد، ما بخواهیم او را ببینیم. آن وقتی که ما توجه به امام کردیم آن موقع امام در قلب ما است! آن موقعی که نماز را با حضور خواندیم، بدانیم در آن موقع امام زمان علیه السّلام در خانه ما بوده! مسئله از این قرار است.

حضور امام زمان علیه السّلام در قلوب طاهره

دیده‌اید امواج چطور... . الآن این وسایل و دستگاه‌هایی که در اینجا هست، اینها امواج را چه کار می‌کنند؟ اینها ضبط می‌کنند. درست است؟ امواج هست، امواج از هر جهت در این اطاق هست؛ امواج

رادویی هست، امواج تلویزیونی هست، امواج صوتی هست، امواج کوتاه و بلند در اینجا هست، تمام اینها وجود دارد. [اما] صحبت در آن گیرنده است! اگر گیرنده را شما تنظیم کنید، پیچش را بیچانید، تنظیم کنید روی آن ایستگاه، آن را می‌گیرد؛ اگر یک مقداری فاصله بدهید، نمی‌گیرد، سر و صدا می‌کند، خش‌خش می‌کند. چرا؟ چون هنوز آن گیرنده روی ایستگاه تنظیم نشده. آن وقتی که شما نمازتان با حضور قلب بود، آن موقع گیرنده شما روی ایستگاه تنظیم شده، سِت شده، آن موقع!

اگر نماز بدون حضور قلب باشد، هنوز یک سانت با ایستگاه فاصله دارید؛ خش‌خش می‌کند! و چون امام طاهر است، در قلب طاهر می‌آید، در قلب غیر طاهر نمی‌آید. امام حق محض است، امام طهارت محض است، امام علیه السّلام قدس و صفای محض است؛ این نیاز به هیچ محکی ندارد! شما وقتی که در وجود خودتان حالت روحانیت دیدید، بدانید که در آن موقع مورد توجه حضرت هستید؛ اگر در خودتان حالت روحانیت ندیدید،

بدانید نیستید! محک نمی‌خواهد! حالا امام زمان
علیه السّلام بیاید و شما هم او را ببینید، چه فایده؟!
چه نتیجه؟! درست شد؟!!

تفاوت اهداف ظهور برای سالکین إلى الله و غیر آنها

پس بنابراین، هدفی که در آن هدف امام صادق
علیه السّلام می‌فرماید: **«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ
عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ؛ فَتَمَّ بِهِ عُقُولُهُمْ وَ كَمَّلَ بِهِ
إِيمَانَهُمْ.»**^۱ آن هدف برای کیست؟ برای مردم عوام
است. بله، برای مردم عوام ظهور حضرت مفید
است؛ امنیت برقرار می‌شود، عدالت برقرار می‌شود،
اطمینان برقرار می‌شود، مظاهر فساد همه از بین
می‌روند. اما برای آن سالک و برای آن کسی که از هر
دقیقه عمر... [قطعاً صوت]. کی ضرر کرده؟
خودش ضرر کرده... [قطعاً صوت].

در آن جلسه روز گذشته خدمت دوستان از اخوه
و برادران این مطلب را در آنجا عرض کردم^۲ - اگر

^۱ الکافی، ج ۱، ص ۲۵، به نقل از امام باقر علیه السّلام: **«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا
وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ؛ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَّلَتْ بِهِ
أَحْلَامُهُمْ.»**

^۲ عنوان بصری، ج ۲، مجلس ۱۱ و ۱۲.

شنیده باشید - که: هر لحظه از عمری که خداوند در این دنیا به ما بدهد، یک لحظه از عالم برزخ را کم می‌کند! یعنی اگر قرار بر این باشد که برای کمال انسان، خدا در این دنیا بخواهد پنجاه سال عمر بدهد، به همان مقدار که کم داده در عالم برزخ اضافه می‌کند؛ و اگر در اینجا آن نصیب از حیات دنیوی را به انسان داده باشد، دیگر در عالم برزخ خبری نیست! هیچ خبری نیست. پس بدانید این لحظاتی که در این دنیا از ما می‌رود به جایش نه در این دنیا و نه در آن دنیا نخواهد آمد! حساب دارد. این می‌شود خدای عادل، خدای عادل... . نگویند که چرا - فرض کنید که - فلان کس در بیست‌سالگی از دنیا رفت؟! توقع داشتید چقدر در این دنیا بماند برای اینکه به کمال برسد؟ اگر شخص در راه باشد و در بیست‌سالگی از دنیا برود، فرض کنید که پانزده سال طول می‌کشد برای اینکه این به کمال برسد، خدا سیزده سال از آن دنیا در عالم برزخ برای این قرار می‌دهد! اینجا از تو کم گذاشتند، آنجا اضافه [می‌کنند].

به هوای بعد از مرگ و پس از مرگ و امثال ذلک
نشینید؛ این سرمایه‌ای است که از بین می‌رود و
دیگر به جای آن بر نمی‌گردد! حالا با توجه به این
قضیه، چطور ما می‌توانیم دست روی دست بگذاریم
و تمام استعدادها و قوا و آن جهاتی که خداوند برای
رسیدن به فعلیت و کمال در وجود ما قرار داده، آنها
را عاطل و باطل به لهو و لعب و به امید ظهور امام
زمان علیه السّلام همین‌طور [تلف کنیم]! دلمان را
خوش کنیم به اینکه «این‌طور خواهد شد؛ آن‌طور
خواهد شد؛ فلان می‌شود؛ ستاره اگر آنجا بیاید، در
آسمان، دلالت بر ظهور می‌کند؛ از مشرق اگر فلان
قضیه اتفاق بیفتد، چه خواهد شد؛ از سوریه اگر
- فرض کنید که - سفیانی می‌گویند ظهور بکند،
دیگر موقع ظهور حضرت است!»^۱ شما اصلاً
می‌دانید که فردا زنده هستید یا نه؟! حالا گیرم بر
اینکه سفیانی هم ظهور بکند، وقتی من نباشم چه
فایده دارد؟! برای من چه فایده‌ای دارد!؟!

اهمیت پیاده کردن اهداف ظهور در وجود

^۱ رجوع شود به تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۴ - ۶۶؛ الغیبة، نعمانی، ص ۲۸۰.

خود

لذا ما در این دنیا باید در صدد این باشیم: آن اهدافی که در زمان ظهور حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه برای عامه مردم حضرت می آورد، ما آنها را در زمان غیبت انجام بدهیم! این مهم است. آنچه را که امام علیه السّلام با ظهور خود و با حضور خود به عنوان تکلیف و به عنوان نردبان برای فعلیتِ کمالات برای انسان می آورد، آنها را [به دست بیاوریم و] ما منتظر ظهور حضرت نشویم. کلمات آن حضرت هست، بیانات آن حضرت هست، نامه‌هایی که آن حضرت داده‌اند هست، سؤال و جواب‌ها هست، از سایر ائمه هست، ما چیزی کم نداریم که منتظر ظهور امام بشویم و خلاصه بخواهیم با ظهور امام رفع نقایص خودمان را بکنیم! مگر این همه از بزرگانی که در زمان غیبت به مقام ولایت و طهارت و اینها رسیدند، مگر اینها منتظر ظهور شدند؟!

یک بار من در تمام مدت عمر مرحوم آقا - رضوان الله علیه - نشنیدم که ایشان در

صحبت‌هایشان، در جلساتشان، تشویق کنند
دوستانشان را [و] رفقایشان را با این مسائل:
«حضرت کی ظهور می‌کند و در چه تاریخی خواهد
آمد و فلان!» نه، نشنیدم.

تمام توجه ایشان و تمام توجیه ایشان، دوستان
خودشان را در این راستا متوجه عمل به تکلیف،
متوجه عمل به تکلیف بوده. اگر این کار را انجام
دادید با آن حضرت معیت دارید.

پاسخ علامه طهرانی در کیفیت ارتباطشان

با حضرت ولی عصر علیه السلام

یک روز یکی از دوستان از مرحوم آقا سؤال کرده
بود و گفته بود که: «آقا، ارتباط شما با امام زمان
علیه السلام چه جوری است؟» البته ایشان خب،
جوابی که به او دادند عرض می‌کنم، اما باز مطلب
بالاتر از این است. ایشان فرمودند:

مثل اینکه الآن من اینجا نشسته‌ام (ایشان طبقه بالا
بودند، فرض کنید که طبقه بالای اینجا) من اینجا
نشسته‌ام، امام علیه السلام اینجا نشسته باشند! من
[که] اینجا نشسته‌ام، چطور بر افرادی که در طبقه
پایین و در منزل و اینها بازی می‌کنند، صحبت

می‌کنند، حرکت می‌کند، احاطه و اشراف دارم و مواظبم کسی صدایش بلند نشود، کسی تخطی نکند، کسی مثلاً شیطونی نکند و امثال ذلک، امام علیه السّلام هم با من مثل همین است! انگار طبقه بالا نشسته‌اند و من طبقه پایین، و از آنجا دارد [مرا اداره می‌کند]!

البته این جوابی که باز ایشان داده‌اند مطابق با فهم اوست، [ولی] مسئله خیلی از اینها بالاتر است، خیلی بالاتر و دقیق‌تر است! و این مسئله است.

خب، گفته‌اند: «ره چنان رو که رهروان رفتند!»^۱ اینها را که ما دیدیم که هی وعده به ظهور و اینها دادند همین‌طور، از دنیا رفتند و به وعده‌های خودشان هم نرسیدند! اینکه با چشمان دیدیم. [اما] این طرف که در مطالب دیگر و مسائل دیگر حرکت کردند، نتایج اینها را هم دیدیم. حالا گروهی این، گروهی آن پسندند!^۲ این دیگر، این گوی و این

^۱ دیوان شاه نعمت‌الله ولی، مثنوی ۵۶:

ره چنان رو که رهروان رفتند *** راه رفتند و ناگهان رفتند

^۲ دویستی‌های بابا طاهر، شماره ۴۰:

دلا خوبان دل خونین پسندند *** دلا خون شو که خوبان این پسندند

میدان. گفت: «گر گدا کاهل بود، تقصیر صاحب‌خانه نیست!»^۱

عدم تفاوت غیبت و ظهور امام

علیه السّلام

امام علیه السّلام موت و حیات ندارد، کوچک و بزرگی ندارد، غیبت و ظهور ندارد. همین که شما در اینجا جمع شده‌اید در این روز، روز چهاردهم و شب نیمه شعبان و آمده‌اید در اینجا و خواسته‌اید حالا دیگر از باب قحط‌الرجالی و دیگر چه عرض کنم دیگر، از باب تأسف و تأثر و بدشانسی اسمش را بگذاریم، حالا دیگر یک وقتی، دقایقی از عمرتان را - عرض می‌شود که - در صحبت با ما بگذرانید؛ همین قضیه و این نیت شما که شما را به اینجا آورده، کی آورده؟ چرا شما جای دیگر نرفتید؟ چرا مانند بقیه افراد به مسائل دیگر پرداختید؟ این چیست قضیه؟ این امام علیه السّلام است. درست شد؟!

اهمیت حاضر دیدن امام زمان در کنار خود

متاع کفر و دین بی‌مشتی نیست *** گروهی آن گروهی این پسندند

^۱ امثال و حکم، ج ۳، ص ۱۳۰۰: «گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب‌خانه چیست؟»

این، احاطهٔ مقام ولایت به این می‌گویند. به این می‌گویند که بیاید و توفیق بدهد و راه بیندازد و حرکت بدهد و - عرض کنم حضورتان که - انسان را برد. و بدانید که در تمام لحظات و در تمام دقائق و در تمام خطورات، اول او را حاضر ببینید و اول او را ناظر ببینید و بعد آن حرفی را که می‌خواهید بزنید، آن قدمی را که می‌خواهید بردارید، آن عملی را که می‌خواهید انجام بدهید. اول وجود حضرت را در کنار خودتان حاضر ببینید، مثل اینکه من الآن دارم صحبت می‌کنم! می‌دانید چه می‌خواهم بگویم؟!

یک روز - عرض کنم که - مرحوم آقا این سؤال را از من کردند... . بله، یا خودم به ایشان عرض کرده بودم، حالا نمی‌دانم راجع به چه مسئله‌ای بود. من داشتم با ایشان صحبت می‌کردم، عرض کردم گفتم:

آقا، من وقتی که دارم با یک شخص صحبت می‌کنم، اگر امام علیه السّلام هم اینجا در کنارم باشد همین طوری حرف می‌زنم، همین طوری! یعنی می‌خواهم این طور باشم.

یعنی این حالت حضور امام علیه السّلام را هر کدام از ما در هر عملی که می‌خواهیم انجام بدهیم، باید در کنار خود مشاهده کنیم. آن وقت شما ببینید اگر واقعاً افراد بخواهند به این مطلب عمل کنند، چه وضعی پیش می‌آید، چه اوضاعی پیش می‌آید! دیگر کسی می‌تواند به کسی دروغ بگوید؟! دیگر کسی می‌تواند به کسی تهمت بزند؟! دیگر کسی می‌تواند به کسی نیت بد کند؟! تمام اینها چیست؟ همه اینها از بین می‌رود. یک چند روزی امتحان کنیم، یک مدتی امتحان کنیم، اگر بدی دیدیم کنار می‌گذاریم، کاری ندارد! اگر نتیجه‌اش برایمان روشن و ملموس بود، دیگر در آن صورت انسان عاقل و انسان منطقی هیچ وقت عمل راجح را نمی‌آید ترک بکند.

بیان برخی از اعمال شب نیمه شعبان و

تأکید بر احیاء آن

صحبت ما طولانی شد و وقت نماز مغرب شد و ما هم چون عازم هستیم، لذا دیگر از خدمت دوستان و سروران باید تودیع کنم. امشب شب نیمه شعبان است، امروز هم عرض کردم در [خدمت]

دوستان که بودیم: ^۱ امشب شب احیا است و تمام اولیا و تمام بزرگان نسبت به احیای امشب خیلی تأکید داشتند، و خود مرحوم آقا هم شب‌های نیمه شعبان را با همین دوستانشان احیا می‌گرفتند؛ البته در همان زمانی که در طهران بودند، ولی بعد که به مشهد مشرف شدند دیگر دستور می‌دادند که: «هر کسی در منزل خودش باشد.» و یادم است که خودشان هم دعای کمیل می‌خواندند در همین شب با همان دوستان به اصطلاح خصوصی‌شان. و دعای جوشن هم وارد است، ^۲ دعای کمیل هم وارد است، ^۳ دعای فرج برای ظهور آن حضرت هم - عرض می‌شود که - وارد است.

اهمیت دعا برای ظهور و فرج باطنی امام

^۱ نرم‌افزار جامع آوای ملکوت، سخنرانی، عنوان بصری، جلسه ۱۳.

^۲ لازم به ذکر است که روایتی به خصوص برای خواندن این دعا در این شب وارد نشده است، گرچه از عمومات ورود این دعا می‌توان استفاده چنین معنایی کرد. رجوع شود به بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۳۸۲.

گفتنی است اولیای الهی به خواندن این دعای شریف در خصوص شب نیمه شعبان مبادرت می‌ورزیدند و شاگردان خود را نیز توصیه به قرائت آن می‌نمودند. جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به: عنوان بصری، ج ۲، ص ۲۱۷؛ نرم‌افزار کیمیای سعادت، متن جلسات شرح حدیث عنوان بصری، ص ۲۵۷۹ و ۳۰۶۰. (محقق)

^۳ مصباح‌المتهجّد، ج ۲، ص ۸۴۴.

زمان علیه السلام

البته وقتی که در دعای فرج انسان ظهور ظاهری را از خداوند متعال طلب می‌کند، باید در وهله اول آن ظهور باطنی را برای خودش طلب کند ها! این مهم است مسئله. ظهور باطنی برای انسان طلب بشود و آن بایستی مورد طلب انجام [بگیرد]؛ حالا چه ظهور باشد - چه ظهور ظاهر - یا نباشد! چطور اینکه در روایات هم از امام صادق علیه السلام در این مسئله - عرض کنم که - روایاتی داریم.^۱

در هر صورت، احیای امشب خیلی مستحب است.^۲ البته این طور تصور نکنید که تمام شب را حتماً بیدار باشید، نه، برای رفع خستگی [اگر] یک مقداری استراحت بکنید اشکالی ندارد. و خلاصه بدانید که شب، شب بسیار مهمی است و نظیر امشب کم پیدا می‌شود! و خلاصه از دست ندهید فرصت را که فرصت باز نمی‌گردد.

امیدواریم که ما را هم از دعا فراموش نکنید و

^۱ رجوع شود به الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱ و ۳۷۲.

^۲ رجوع شود به ثواب الأعمال، ص ۷۷؛ الإقبال، ج ۳، ص ۳۲۳؛ مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۸۵۳.

- عرض کنم که - این حقیر فقیر مسکین را هم
مدّ نظر داشته باشید که امیدواریم که به واسطه
توجهات امام زمان علیه السّلام، عنایت آن حضرت
و الطاف بی شائبه آن حضرت در دنیا و آخرت
همیشه مُمدّ و مؤیّد ما باشد.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ^۱

^۱ خواننده گرامی! به اطلاع می‌رساند که این جلسه، ضمن کتاب شریف
«آموزه‌های ولایت، جلد ۳، مجلس ۱» به زیور طبع آراسته شده است.
(محقق)